

قانون اساسی جمهوریت ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ هجری شمسی

در ۱۳ فصل و ۱۳۶ ماده

مصوبه لویه جرگه که جلسات آن، از

۱۰ الی ۲۳ دلو ۱۳۵۵ هجری شمسی

مطابق به

۳۱ جنوری الی ۱۳ فروری ۱۹۷۷ م

دایر گردیده بود.

مرتب کارکمپوتری: دیپلوم انجینیر کریم عطائی

نخستین قانون اساسی جمهوریت افغانستان

دولت جمهوری افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

توشیح رئیس جمهوری افغانستان

بنام خداوند بزرگ و به آرزوی سعادت مردم نجیب افغانستان من محمد داود رئیس جمهور افغانستان به تاسی از وظیفه نیکه نمایندگان نخستین لویه جرگه دولت جمهوری افغانستان به استناد مصوبه تاریخی ۲۵ دلو ۱۳۵۵ هجری شمسی به اتفاق آرا بمن سپرده است این قانون اساسی را الیوم پنجم حوت ۱۳۵۵ در کابل مرکز افغانستان توشیح و انفاذ آنرا اعلام مینمایم.

محمد داود اولین رئیس جمهور

دولت جمهوری افغانستان

پنجم حوت ۱۳۵۵

توشیح قانون اساسی جمهوریت افغانستان از طرف مرحوم محمد داود رئیس جمهور



دیباجه

از آنجائیکه ملل و جوامع پیوسته در مسیر تاریخ در حال تحول تکامل می باشند و از آنجائیکه این واقعیت در زندگی تاریخی ما بحیثی ملت و جز جامعه بشری پدیدار گشته، بناء: جهت تأمین یک زندگی آبرو مند استوار بر پایه های متین عدالت کفایت و مملو از سعادت رفاه و اطمینان.

جهت تأمین آرمانهای مقدس ملی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی انقلاب ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲.

جهت تقویه و استحکام روز افزون وحدت ملی تضامن و تساند، تأمین عدالت اجتماعی، امحای تضادها به شیوه مثبت و مترقی مطابق به واقعتهای تاریخی، فرهنگ ملی و شرایط عینی و ذهنی حاکم بر جامعه ما .

بمنظور احترام عمیق به تاریخ با شکوه و گذشته پر عظمت مردم کشورما، و مبارزات مستداوم شان در راه حفظ هویت ملی و استقلال کشور و ایفای رسالت تاریخی و انسانی آنها، باایمان بخداوند بزرگ (ج) و پیروی از اساسات دین مقدس اسلام و بالاخره جهت تحقیق این همه مقاصد و غایه ها. ما مردم افغانستان با درک شرایط و ایجابات عصر تصمیم گرفته ایم زندگی ملی خود را بر اساس آزای، ترقی حق عدالت و صلح روی اصول برادری برابری استقرار بخشیم، و فلسفه حیات و سرنوشت نسل های امروز و فردای کشور را مطابق به اهداف اساسی و اقتصادی انقلاب ملی و مترقی ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ افغانستان بنیان گذاری نمائیم.

با درک این حقایق، این وثیقه ملی را بحیثی قانون اساسی دولت جمهوری جهت تأمین سعادت، رفاه و ارتقای مادی و معنوی مردم نجیب افغانستان برای خود و رهنمائی نسلهای آینده وضع نمودیم.

فصل اول

هدفهای اساسی

ماده اول:

دفاع از استقلال، حاکمیت، و تمامیت ارضی.

ماده دوم:

اجرای قدرت توسط مردم که اکثریت آنرا دهقانان، کاکران، منورین و جوانان تشکیل میدهند.

ماده سوم:

تحکیم اتحاد فکر و عمل بمنظور سهمگرفتن کامل مردم برای ساختمان و انکشاف مادی و معنوی کشور.

ماده چهارم:

تأمین دیموکراسی متکی بر عدالت اجتماعی و منافع مردم.

ماده پنجم:

احترام به آزادی و کرامت انسانی و از بین بردن هرگونه تعذیب و تبعیض.

ماده ششم:

استقرار و استحکام روز افزون نظام جمهوری.

ماده هفتم:

ایجاد تحولات دوامدار، عمیق و بنیادی اقتصادی و اجتماعی متکی بر اساسات و ارزشهای مندرج این قانون اساسی بمنظور تأمین منافع اکثریت مردم افغانستان.

ماده هشتم:

از بین بردن استثمار بهر نوع و شکلی که باشد.

ماده نهم:

تضمین حق کار.

ماده دهم:

تأمین و تعمیم تعلیمات اپیدائی اجباری، توسعه و رشد تعلیمات ثانوی عمومی، مسلکی و عالی به صورت مجانی بمنظور پرورش و اکمال کادرهای علمی و فنی جهت خدمت بمردم.

ماده یازدهم:

بسط و توسعه طب وقایوی و معالجوی بمنظور حفظ و بهبود صحت عامه.

ماده دوازدهم:

احترام به اساسات منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و پشتیبانی از صلح عادلانه.

در نهایت تشکیل یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس برادری، برابری، تعاون و حفظ کرامت انسانی.

فصل دوم اساسات اقتصادی

ماده سیزدهم:

منابع از قبیل معادن، جنگلات و انرژی، صنایع بزرگ، مخابرات، تاسیسات مهم ترانسپورت هوایی و زمینی، بنادر، بانکها، بیمه ها، تاسیسات مهم تهیه ارزاق، آثار باستانی و تاریخی، مطابق به احکام قانون جزء دارائی ملت و اداره آن متعلق به دولت است.

ماده چهاردهم:

حد نهائی ملکیت زراعتی توسط قانون اصلاحات ارضی تعیین و تثبیت میگردد.

ماده پانزدهم:

ملکیت و تشبثات خصوصی متکی به اصل عدم استنثار توسط قانون تنظیم می شود.

ماده شانزدهم:

کوپراتیف ها و شرکت های تعاونی تولید و مصرف با اشتراک مردم بمنظور تأمین منافع اکثریت مردم مطابق به احکام قانون از طرف حکومت تشویق، حمایت و رهنمائی میشود.

ماده هفدهم:

سرمایه گذاری ها و تشبثات خصوصی در ساحه صنایع متوسط، کوچک و دستی مطابق به احکام قانون تشویق، حمایت و رهنمائی میشود.

ماده هژدهم:

تجارت کشور به اساس تجارت رهبری شده بر روی منافع اکثریت مردم مطابق به احکام قانون تنظیم میشود.

ماده نوزدهم:

مالیات بر اساس عدالت اجتماعی مطابق به احکام قانون اخذ میگردد.

فصل سوم دولت

ماده بیستم:

افغانستان دولت جمهوری، دیموکراتیک، مستقل واحد و غیر قابل تجزیه میباشد.

ماده بیست و یکم:

حاکمیت ملی در افغانستان بمردم تعلق دارد.

ملت افغانستان عبارتست از تمام افرادی که تابعیت دولت افغانستان را مطابق به احکام قانون دارا باشند.

بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق میشود.

ماده بیست و دوم:
دین افغانستان دین مقدس اسلام است.
آن افراد ملت افغانستان که پیرو دین اسلام نیستند در اجرای مراسم مذهبی خود در داخل حدودیکه قوانین مربوط به آداب و آسایش عامه تعیین میکند آزاد میباشند.

ماده بیست و سوم:
از جمله زبان های افغانستان پشتو و دری زبان های رسمی میباشند.

ماده بیست و چهارم:
بیرق افغانستان درای دنگ های سیاه، سرخ و سبز میباشد که بصورت افقی به اندازه های معین از بالا به پائین واقع شده و در قسمت چپ با لائی آن نشان ملی دولت نصب میباشد.

ماده بیست و پنجم:
قوای مسلح دولت جمهوری افغانستان که به هدف های انقلاب ملی وفادار و به عنعنات ملی خود پایند میباشد، در خدمت مردم تحت اوامر حکومت قرار دارد.
قوای مسلح دفاع قلمرو افغانستان را بعهده داشته از طریق شورای عالی قوایمسلح در فعالیت های ملی سهم میگیرد.

ماده بیست و ششم:
اداره افغانستان بر اصل مرکزیت مطابق به احکام قانون استوار است. مرکز افغانستان شهر کابل میباشد.

فصل چهارم

حقوق و واجبات مردم

ماده بیست و هفتم:
تمام مردم افغانستان اعم از زن و مرد بدون تبعیض و امتیاز در برابر قانون حقوق و واجبات مساوی دارند.

ماده بیست و هشتم:
آزادی حق طبیعی انسان است، مگر اینکه به آزادی و شرافت دیگران یا به منفعت و امنیت عامه و مصالح ملی صدمه یا لطمه وارد کند. این حق توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده بیست و نهم:
هر افغان که سن هژده سالگی را تکمیل کند مطابق به احکام قانون حق رای دادن را دارد.

ماده سی و م:
برائت ذمه حالت اصلی است. متهم تا وقتیکه به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد بیگناه شناخته میشود.
هیچ عملی را نمیتوان جرم شمرد، مگر بموجب قانون.
هیچ کس را نمیتوان مجازات نمود، مگر طبق حکم محکمه باصلاحیت.
هیچ کس را نمیتوان مجازات نمود، مگر به احکام قانونیکه قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

هیچ کس را نمیتوان تعقیب، گرفتار یا توقیف نمود، مگر مطابق به احکام قانون.

ماده سی و یکم:

جرم یک امر شخصی است. تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزاء بر او به شخصی دیگری سرایت نمیکند. تعذیب و تعین جزائیکه مخالف کرامت انسانی باشد، جواز ندارد. هر شخصی حق دارد برای دفع اتهامیکه قانوناً علیه او وارد گردیده و کیل مدافع تعین کند.

ماده سی و دوم:

مدیون بودن شخص در برابر شخص دیگر موجب سلب یا محدود شدن آزادی وی شده نمیتواند. طرز وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده سی و سوم:

هر افغان حق دارد در هر نقطه از ساحه کشور خود سفر نماید و مسکن اختیار کند، مگر در مناطقیکه قانون ممنوع قرار داده باشد. همچنین هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون بخارج سفر نماید و بوطن عودت کند.

ماده سی و چهارم:

هیچ افغان به تبعید در داخل و یا خارج افغانستان محکوم شده نمیتواند. هیچ شخص به منع اقامت در محل معین یا انتقال ازان محکوم شده نمیتواند، مگر در حالاتیکه قانون بمنظور امنیت و منافع عامه اجازه داده باشد. هیچ افغان بعلت اتهام جرم به دولت خارجی سپرده نمیشود.

ماده سی و پنجم:

مسکن شخص از تعرض مصئون است. هیچ شخص بشمول دولت نمیتواند بدون اجازه ساکن یا حکم محکمه با صلاحیت و بغیر از حالات و طرزیکه در قانون تصریح شده به مسکن کسی داخل شود یا آنرا تفتیش کند. در مورد جرم مشهود مامور مسئول میتواند به مسکن شخص بدون اجازه و یا اجازه قبلی محکمه بمسئولیت خود داخل شود و یا آنرا تفتیش کند. مامور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش در خلال مدتیکه قانون تعین میکند حکم محکمه را حاصل نماید.

ماده سی و ششم:

ملکیت از تعرض مصئون است.

ملکیت هیچ شخص بدون حکم قانون و فیصله محکمه باصلاحیت مصادره نمیشود. استملاک ملکیت خصوصی تنها بمقصد تأمین منافع عامه در بدل تعویض عادلانه بموجب قانون مجاز میباشد. هیچ شخص از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمیشود مگر در حدود قانون. طرز استعمال ملکیت بمنظور تأمین منافع عامه توسط قانون تنظیم و رهنمائی میشود.

ماده سی و هفتم:

آزادی و حریمیت مخابرات اشخاص چه بصورت مکتوب و چه بوسیله تلیفون و تلگراف و یا وسایل دیگر باشد از تعرض مصئون است. دولت حق تفتیش مخابرات اشخاص را ندارد مگر بموجب حکم قانون. در حالات عاجل که در قانون تعریف میگردد مامور مسئول میتواند بدون اجازه قبلی محکمه به مسؤلیت خود به بفتیش مخابرات اقدام کند.

مامور مکلف است بعد از اجرای تفتیش در خلال مدتیکه قانون تعیین میکند حکم محکمه را حاصل نماید.

ماده سی و هشتم:

آزادی فکرو بیان از تعرض مصئون است. هر افغان حق دارد فکر خود را بوسیله گفتار، نوشته تصویر یا امثال آن مطابق به احکام قانون اظهار کند.

اجازه و امتیاز تاسیس مطابع و نشر مطبوعات تنها به اتباع افغانستان مطابق به احکام قانون داده میشود. تاسیس مطابع بزرگ و تاسیس و تدویر دستگاه عامه فرستنده رادیو و تلویزیون مختص بدولت است.

ماده سی و نهم:

اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح آمیز بدون حمل سلاح مطابق به احکام قانون اجتماع نمایند.

ماده چلهم:

برای انعکاس خواسته های اجتماعی و تربیت سیاسی مردم افغانستان تا زمانیکه این آرزو برآورده گردد و به رشد طبیعی خود برسد سیستم یک حزبی در کشور بر هبری حزب انقلاب ملی که بانی پیشآهنگ انقلاب مردمی و مترقی ۲۶ سرطان ۱۳۵۲مردم افغانستان است برقرار خواهد بود.

ماده چهل و یکم:

کار حق، شرف و فریضه هر افغانیست که قدرت اجرای آنرا داشته باشد. هدف عمده قوانینیکه برای تنظیم کار و وضع میگردد رسیدن بمرحله ایست که در آن حقوق و منافع تمام زحمتکشان دهقانان، کارگران و اصناف حمایت شود، شرایط مساعد کار فراهم گردد، روابط بین کارگر و کارفرما بصورت عادلانه و مترقی تنظیم گردد. انتخاب شغل و حرفه در داخل شرایطی که قانون تعیین مینماید آزاد میباشد.

ماده چهل و دوم:

اتباع افغانستان به اساس اهلیت و بموجب احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته میشوند.

ماده چهل و سوم:

تحمیل کار اجباری اگرچه برای دولت باشد جواز ندارد، تحریم کار اجباری مانع تطبیق قوانینی نمیشود که بمنظور تنظیم فعالیت دسته جمعی برای تأمین منافع عامه وضع میگردد.

ماده چهل و چهارم:

هر افغان مکلف است به دولت مالیه و محصول تادیه کند. هیچ محصول و مالیه بدون حکم قانون وضع نمیشود. اندازه مالیه و محصول و طرز تادیه آن بارعایت عدالت اجتماعی توسط قانون تعیین میگردد. این حکم در مورد اشخاص خارجی نیز تطبیق میشود.

ماده چهل و پنجم:

دفاع از وطن وظیفه مقدس تمام اتباع افغانستان است. کافه اتباع افغانستان به اجرای خدمت زیر بیرق مطابق به احکام قانون مکلف میباشدند.

ماده چهل و ششم:
پیروی از احکام قانون اساسی، وفاداری به اهداف انقلاب ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و نظام جمهوری، احترام بر رئیس جمهور، اطاعت بقوانین، رعایت نظم و امن عامه صیانت منافع وطن و اشتراک در حیات ملی و طیفه تمام مردم افغانستان است.

ماده چهل و هفتم:
هیچ کس نمیتواند با استفاده از حقوق و آزادی های مندرج این قانون اساسی به استقلال ملی، تمامیت ارضی وحدت ملی و به خواسته های منافع اکثریت مردم و به هدف های انقلاب ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ صدمه وارد کند.

فصل پنجم ملی جرگه

ماده چهل و هشتم:
ملی جرگه افغانستان مظهر اراده مردم آنست و از قاطبه ملت نمایندگی میکند.

ماده چهل و نهم:
اعضای ملی جرگه که پنجاه فیصد آنرا دهقانان و کارگران تشکیل میدهد از جانب حزب پیشنهاد و از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم مطابق به احکام قانون برای مدت چهار سال از طرف مردم انتخاب میشوند.
باین منظور افغانستان به حوزه های انتخاباتی تقسیم میگردد. تعداد و ساحه حوزه ها توسط قانون تعیین میشود.

ماده پنجاهم:
طرز و شرایط انتخاب وکلای ملی جرگه و وظایف شان مطابق به احکام قانون تنظیم میگردد.
طرز تدقیق و ثایق و رسیدگی به اعتراض برقانونی بودن انتخاب یک وکیل مطابق به اصول و وظایف داخلی ملی جرگه صورت میگیرد.

ماده پنجاه و یکم:
سلب امتیاز وکالت از وکیل تنها به موافقه دو ثلث اعضای ملی جرگه صورت میگیرد.

ماده پنجاه و دوم:
شرایط انتخاب کنندگان در قانون انتخابات تعیین میگردد.
شهصیکه به عضویت ملی جرگه انتخاب میشود باید علاوه بر تکمیل شرایط انتخاب کنندگان واجد اوصاف آتی باشد:

- ۱ - اقلأ ده سال قبل از تاریخ انتخاب، تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد.
- ۲ - از طرف محکمه به حرمان از حقوق سیاسی محکوم نشده باشد.
- ۳ - سن بیست و پنج سالگی را در موقع انتخاب تکمیل کرده باشد.

ماده پنجاه و سوم:
هر عضو ملی جرگه حق دارد در داخل جرگه در موضوع مورد مباحثه نظریه خود را مطابق به اصول و وظایف داخلی اظهار نماید.

ماده پنجاه و چهارم:

هیچ عضو ملی جرگه بعثت رای یا نظریه ای که هنگام اجرای وظیفه ابراز میدارد مورد تعقیب عدلی قرار نمیگیرد. هرگاه یک عضو ملی جرگه بجرمی متهم شود مامور مسؤل از موضوع به ملی جرگه اطلاع میدهد و بعد از آنکه جرگه مذکور با اکثریت آراء اجازه بدهد متهم تحت تعقیب عدلی قرار میگیرد.

در مورد جرم مشهود مامور مسؤل میتواند متهم را بدون اجازه جرگه تحت تعقیب عدلی قرار دهد و گرفتار نماید.

هرگاه تعقیب عدلی قانوناً توقیف را ایجاب کند مامور مسؤل مکلف است موضوع را بلا فاصله به اطلاع جرگه و در هنگام تعطیل به اطلاع هیئت اداری جرگه برساند. هیئت اداری مکلف است موضوع را به اطلاع اولین جلسه ملی جرگه که بعد از تعطیل صورت میگیرد برساند.

ماده پنجاه و پنجم:

حکومت میتواند در جلسات ملی جرگه اشتراک ورزد. جرگه میتواند حضور اعضای حکومت را در جلسه مطالبه و از آنها استیضاح نماید. مباحثات جلسات ملی جرگه علنی میباشند، مگر اینکه رئیس جمهور سری بودن جلسه را اعلام بدارد.

همچنان رئیس ملی جرگه، هر عضو حکومت و یا اقلاده نفر از اعضای ملی جرگه میتوانند سری بودن آنرا درخواست نمایند و جرگه این درخواست را بپذیرد. هیچ کس نمیتواند عنفاً بمقر ملی جرگه داخل شود. متخلفین مطابق به احکام قانون مجازات میشوند.

ماده پنجاه و ششم:

جز در موردیکه حکم آن صریحاً درین قانون اساسی ذکر گردیده تصمیم ملی جرگه با اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ میگردد.

ماده پنجاه و هفتم:

ملی جرگه در هر سال یک اجلاس عادی برای مدت چهار ماه مسلسل که بتاریخ اول قوس آغاز میگردد دایر میگردد.

ماده پنجاه و هشتم:

ملی جرگه در آغاز دوره تقنینیه از بین اعضای خود یک نفر را بحیث رئیس انتخاب میکند. جرگه از بین اعضای خود دو نفر را بحیث نایب اول و دوم رئیس و دو نفر دیگر را بحیث منشی و نایب منشی در آغاز اجلاس سالانه برای مدت یک سال انتخاب میکنند. اشخاص فوق هیئت اداری ملی جرگه را تشکیل میدهند و در ظرف مدت اعظمی پانزده روز از آغاز اجلاس باید انتخاب گردند.

ماده پنجاه و نهم:

ملی جرگه برای مطالعه دقیق و مفصل و موضوعات مورد بحث بر طبق احکام اصول و وظایف داخلی، انجمن ها تعیین میکند.

ماده شصتم:

ملی جرگه اصول و وظایف داخلی خود را وضع مینماید.

ماده شصت و یکم:

برای اعضای ملی جرگه معاش مناسب مطابق به احکام قانون تعیین میگردد.

ماده شصت و دوم:

ملی جرگه برای تنظیم امور حیاتی افغانستان مطابق به احکام این قانون اساسی بر مسوده قوانینی که از طرف حکومت و قوه قضائیه پیشنهاد میگردد بعد از مطالعه و غور تصمیم لازم اتخاذ مینماید.

اتخاذ تصمیم بر بودجه، تصدیق معاهدات بین الدول، فرستادن قطعات قوای مسلح دولت جمهوری افغانستان به خارج از صلاحیتهای ملی جرگه میباشد. در هنگام تعطیل یا انحلال ملی جرگه حکومت میتواند برای تنظیم امور عاجل فرامین تقنینی تسوید و ترتیب کند. این فرامین بعد از توشیح و اعلام رئیس جمهور نافذ میگردد. این فرامین تقنینی جهت اتخاذ تصمیم به ملی جرگه در خلال مدت سی روز از تاریخ انعقاد اولین جلسه آن ارائه میشود.

ماده شصت و سوم:

قانون عبارتست از مصوبه ملی جرگه که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد.

ماده شصت و چهارم:

هیچ قانون نمی تواند مناقض اساسات دین مقدس اسلام، نظام جمهوری و دیگر ارزش های مندرج این قانون اساسی باشد.

فصل ششم لویه جرگه

ماده شصت و پنجم:

دراغانستان لویه جرگه عالیترین مظهر قدرت و اراده مردم آنست.

لویه جرگه مرکب است از:

اعضای ملی جرگه.

اعضای شورای مرکزی حزب.

اعضای حکومت و شورای عالی قوای مسلح.

اعضای ستره محکمه.

پنج الی هشت نفر نماینده از هر ولایت.

سی نفر اعضاء که بوسیله فرمان از طرف رئیس جمهور تعیین میشوند.

ماده شصت و ششم:

لویه جرگه مطابق به احکام این قانون اساسی توسط فرمان رئیس جمهور دایر میشود. رئیس

جمهور رئیس لویه جرگه میباشد.

در صورت وفات یا استعفای رئیس جمهور در خلال مدت بیست روز از تاریخ وفات یا استعفاء

لویه جرگه از طرف مقام ریاست جمهوری دایر میگردد.

ماده شصت و هفتم:

لویه جرگه در حالات آتی تحت ریاست رئیس جمهور و یا نائب رئیس لویه جرگه دایر میگردد.

۱ - تعدیل قانون اساسی.

۲ - انتخاب و قبول استعفای رئیس جمهور.

۳ - تصویب اعلان حرب و متارکه.

۴ - هر واقعه مهمی که تصویب لویه جرگه را ایجاب کند.

ماده شصت و هشتم:
در هنگام دایر بودن لویه جرگه حکم ماده پنجاه و چهارم این قانون اساسی در مورد اعضای آن تطبیق می‌گردد.

ماده شصت و نهم:
مباحثات لویه جرگه علنی می‌باشد، مگر اینکه بیش از دو ثلث اعضای حکومت و یا شورای مرکزی حزب و یا سی نفر از اعضای سری بودن آنرا درخواست نمایند و لویه جرگه این درخواست را بپذیرد.
ماده هفتادم:

لویه جرگه بعد از افتتاح در اولین جلسه خود نایب رئیس و دو نفر منشی را از بین اعضای خود به اکثریت آراء اعضاء انتخاب می‌کند.

ماده هفتاد و یکم:
جز در موردیکه احکام آن صریحاً درین قانون اساسی ذکر گردیده تصمیم لویه جرگه به اکثریت آراء اعضای حاضر اتخاذ می‌گردد.

ماده هفتاد و دوم:
بار عایت احکام این قانون اساسی طرز العمل لویه جرگه توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده هفتاد و سوم:
لویه جرگه دارای صلاحیت های می‌باشد که درین قانون اساسی تعیین گردیده است.

ماده هفتاد و چهارم:
در حالات انحلال ملی جرگه اعضای آن حیثیت خود را بصفت اعضای لویه جرگه تا دایر شدن ملی جرگه جدید حفظ می‌کنند.
در حالت دایر بودن اجلاس لویه جرگه همه اعضای آن بدون در نظر داشت مقام، رتبه و وظیفه حق مساوی دارند.

فصل هفتم

رئیس جمهور

ماده هفتاد و پنجم:
رئیس جمهور در رأس دولت افغانستان قرار داشته وظایف قوه اجرائیه و حزبی را که مطابق به احکام این قانون اساسی و اساسنامه حزب مستقیماً بعهده دارد توسط اورگانهای مربوط اداره و رهنمائی می‌کند.

ماده هفتاد و ششم:
رئیس جمهور پس از نامزد شدن از طرف حزب از طریق لویه جرگه به اکثریت دو ثلث آراء اعضاء برای مدت شش سال انتخاب می‌گردد.
ماده هفتاد و هفتم:

رئیس جمهور باید تبعه افغانستان و مسلمان بوده و همسروی از والدین افغان متولد، از حقوق مدنی و سیاسی برخوردار و سن وی از چهل سال کم نباشد.

ماده هفتاد و هشتم:

رئیس جمهور دارای صلاحیتها و وظایف آتی میباشد:

- ۱ - قیادت اعلی قوا مسلح کشور.
- ۲ - با مشوره لویه جرگه اعلان حرب و متارکه.
- در صورت خطر فوری و آشکاری که استقلال و تمامیت ارضی را تهدید کند و یا در حالت عاجل دیگر، رئیس جمهور میتواند تصمیمات استثنائی اتخاذ نماید و لویه جرگه را دایر کند.
- ۳ - اعلان حالت اضطرار و خاتمه دادن به آن.
- ۴ - دایر کردن و افتتاح لویه جرگه.
- ۵ - افتتاح اجلاس عادی ملی جرگه و دایر نمودن و افتتاح اجلاس فوق العاده آن.
- ۶ - منحل ساختن ملی جرگه و اصدار فرمان انتخابات مجدد. انتخاب مجدد در خلال سه ماه از تاریخ انحلال ملی جرگه صورت میگیرد.
- ۷ - تحکیم وحدت ملی و پشتیبانی از منافع مردم افغانستان.
- ۸ - رهبری و هماهنگ ساختن سیاست داخلی و خارجی کشور مطابق به احکام این قانون اساسی.

۹ - تخفیف و عفو مجازات.

۱۰ - اعطای نشان مطابق به احکام قانون.

۱۱ - تعیین معاون یا معاونین ریاست جمهوری از جمله اعضای حزب همچنان وزراء از داخل و خارج حزب، عزل و قبول استعفای آنها.

۱۲ - تعیین اعضای ستره محکمه و قاضی القضاة.

۱۳ - تعیین، تقاعد، قبول استعفاء و عزل قضات و صاحب منصبان قوای مسلح و مامورین عالی رتبه مطابق به احکام قانون.

۱۴ - تعیین سران نمایندگی های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی، تعیین نمایندگان دایمی

افغانستان نزد موسسات بین المللی و قبول اعتماد نامه های نمایندگان سیاسی خارجی.

۱۵ - توشیح قوانین و فرامین تقنینی و اعلام انفاذ آنها. اعطای اعتبارنامه بغرض عقد معاهدات بین الدول مطابق به احکام قانون و توشیح معاهدات بین الدول.

ماده هفتاد و نهم:

رئیس جمهوری تواند در مو ضوعات مهم به آراء عمومی مردم افغانستان مراجعه نماید.

ماده هشتادم:

رئیس جمهور قبل از اشغال وظیفه در محضر اعضای لویه جرگه حلف آتی را بجا می آورد:

بخشور شما نمایندگان ملت افغانستان من . . . "بنام خداوند بزرگ سو گند یاد میکنم که اساسات دین مقدس اسلام را حمایت کنم، قانون اساسی و دیگر قوانین افغانستان را محترم شمارم و از آنها پیروی کنم، از استقلال ملی و تمامیت ساحه حراست و تمام نیروی خود را وقف دفاع از حقوق و منافع مردم و اهداف انقلاب ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ و جمهوریت افغانستان نمایم."

ماده هشتاد و یکم:

به استثنای حالاتیکه در ماده سی و ششم این قانون اساسی تصریح گردیده، رئیس جمهور در مدت تصدی وظیفه هیچ معامله انتقاعی را بادولت انجام نمیدهد.

ماده هشتاد و دوم:

رئیس جمهور در حالت مریضی و یا سفر معاون یا معاونین ریاست جمهوری را موظف میسازد تا طبق هدایاتیکه صادر میکند عوض وی کار نماید.

ماده هشتاد و سوم:
معاش رئیس جمهور توسط قانون تعیین میگردد.

ماده هشتاد و چهارم:
برای انتخاب رئیس جمهور باید چهل و پنج روز قبل از ختم دوره ریاست جمهوری مطابق به احکام این قانون اساسی و اساسنامه حزب اقدامات لازمه بعمل آید.

ماده هشتاد و پنجم:
هرگاه رئیس جمهور اراده استعفا بنماید لویه جرگه را دایر و استعفا نامه خود را مستقیماً به لویه جرگه تقدیم مینماید.
در صورتیکه لویه جرگه این استعفا را قبول نماید انتخاب رئیس جمهور جدید طبق ماده هشتاد و ششم این قانون اساسی صورت میگیرد.

ماده هشتاد و ششم:
هرگاه رئیس جمهور وفات نماید یا استعفا دهد وظیفه ریاست جمهوری موقتاً بر رئیس ملی جرگه سپرده میشود. درین حالت رئیس ملی جرگه بحیث نامزد ریاست جمهوری در انتخابات تعیین شده نمیتواند.
در زمان تصدی رئیس ملی جرگه بحیث رئیس جمهور موقت، این قانون اساسی تعدیل شده نمیتواند.

رئیس جمهور جدید باید در ظرف سی روز بعد از تاریخ خالی شدن کرسی ریاست جمهوری مطابق به احکام این قانون اساسی انتخاب گردد. در صورت بروز حالات عاجل و مهم ملی ایکه رئیس جمهور موقت را به عمال صلاحیتهای مندرج ماده هفتاد و هشتم این قانون اساسی مجبور سازد، رئیس جمهور موقت میتواند باموافقه اعضای حکومت و شورای مرکزی حزب با رعایت احکام مندرج این ماده از صلاحیت های متذکره ماده هفتاد و هشتم این قانون اساسی استفاده نماید.

ماده هشتاد و هفتم:
اتهام بجرم خیانت ملی علیه رئیس جمهور از طرف دو ثلث اعضای ملی جرگه تقاضا شده میتواند. این تقاضا بعد از موافقه دو ثلث آراء اعضای شورای مرکزی حزب به لویه جرگه ارائه میشود. درین حالت رئیس جمهور مکلف است لویه جرگه را دایر نماید.
رئیس ملی جرگه از جلسات لویه جرگه ریاست مینماید. هرگاه لویه جرگه اتهام منسوبه را بادلایل ارائه شده آن به اکثریت دو ثلث آراء اعضای خود تصویب نماید، رئیس جمهور از وظیفه سبکدوش میگردد.

ترکیب محکمه و طرز العمل محاکم طور جداگانه توسط قانون تنظیم میشود.
درین حالت وظیفه ریاست جمهوری موقتاً بر رئیس ملی جرگه سپرده میشود.
رئیس جمهور موقت تابع احکام مندرج ماده هشتاد و ششم این قانون اساسی میباشد.

فصل هشتم

حکومت

ماده هشتاد و هشتم:
حکومت اورگان عالی اجرائیوی واداری دولت و متشکل از معاون یا معاونین ریاست جمهوری و وزرا میباشد که تحت رهبری رئیس جمهور ایفای وظیفه مینماید.

ماده هشتاد و نهم:

معاون یا معاونین رئیس جمهور و وزراء باید تبعه افغانستان بوده خود و همسرشان از والدین افغان متولد و واجد تمام حقوق مدنی و سیاسی باشند.

ماده نودم:

معاون یا معاونین رئیس جمهور و وزراء قبل از اشغال وظیفه حلف آتی را بحضور رئیس جمهور تجا می آورند:

" بنام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد میکنم که قانون اساسی و دیگر قوانین افغانستان را محترم شمارم و از آن پیروی کنم و تمام نیروی خود را وقف دفاع از حقوق و منافع ملی نموده از اهداف انقلاب ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ و جمهوریت افغانستان حمایه نمایم."

ماده نود و یکم:

حکومت دارای وظایف و صلاحیت های ذیل میباشد:

- ۱ - تطبیق سیاست داخلی و خارجی کشور مطابق به احکام قانون و اساسات حزب.
- ۲ - اداره انسجام و مراقبت امور وزارت ها و سایر دواير و موسسات عامه.
- ۳ - صدور تصامیم اجرا ئیوی و اداری طبق قوانین و فرامین صادره و نظارت بر تطبیق آنها.
- ۴ - تسوید قوانین و وضع مقررات.
- ۵ - تربیب و تنظیم بودجه دولت و اتخاذ تدابیر برای استحکام وضع اقتصادی و سیستم پولی و

مالی.

۶ - طرح پلانهای انکشافی دولت و اتخاذ تدابیر برای تطبیق و اجرای آن.

۷ - مفاهمه و مذاکره راجع بگرفتن و دادن قروض داخلی و خارجی.

۸ - اتخاذ تدابیر برای تأمین نظم و امن عامه.

۹ - اتخاذ تدابیر لازم و موثر جهت ازبین بردن هر نوع فساد اداری مطابق به احکام قانون.

۱۰ - عقد قراردادها با ممالک و موسسات خارجی مطابق به احکام قانون.

۱۱ - اجرای سایر وظایف که این قانون اساسی و قوانین بحکومت سپرده باشد.

ماده نود و دوم:

حکومت برای تنظیم امور بر اساس قوانین مقررات وضع میکند. این مقررات مناقص نص با روح قوانین بوده نمی تواند.

ماده نود و سوم:

به استثنای حالاتیکه در ماده سی و ششم این قانون اساسی تصریح گردیده معاون یا معاونین رئیس جمهور و وزراء در مدت تصدی وظیفه هیچ معامله انتفاعی را بادولت انجام داده نمیتوانند.

ماده نود و چهارم:

معاون یا معاونین رئیس جمهور و وزراء در برابر رئیس جمهور، شورای مرکزی حزب و ملی جرگه در قسمت اجرات خود مسؤل میناشند.

ماده نود و پنجم:

اتهام جرم علیه معاون یا معاونین رئیس جمهور یا هر یکی از وزراء از طرف یک ثلث اعضای ملی جرگه تقاضا شده میتواند.

این تقاضا صرف به اکثریت دو ثلث آراء اعضای ملی جرگه تصویب میگردد.

متهم پس از تصویب از وظیفه منفصل میشود.

محاكمه متهم در محضر محكمه خاص دایر میشود.

ترکیب محکمه و طرز العمل محاکمه آن و همچنان مجازات طور جداگانه توسط قانون خاص تنظیم میگردد.

فصل نهم قضاء

ماده نود و ششم:

قوه قضائیه یک رکن دولت و مرکب است از ستره محکمه و محاکم دیگری که تعداد آن توسط قانون تعیین میگردد.

هدف عمده این قوانین توحید موافق قضائی و تنظیم تشکیلات صلاحیت محاکم و طرز العمل محاکمه میباشد.

ماده نود و هفتم:

صلاحیت قضاء شامل رسیدگی به تمام دعاوی است که دران اشخاص حقیقی یا حکمی بشمول دولت بصفه مدعی یا مدعی علیه قرار گرفته و به پیشگاه آن مطابق به احکام قانون اقامه شود.

ماده نود و هشتم:

در هیچ حالت به استثنای حرب، نمیتوان قضیه یا ساحه را از دایره صلاحیت قوه قضائیه دولت به نحویکه درین فصل تحدید شده خارج ساخت و به مقام دیگری تفویض نمود.

این حکم مانع تشکیل محاکم عسکری نمیگردد ولی ساحه این نوع محاکم به جرایم مربوط به قوای مسلح افغانستان منحصر میباشد.

تشکیل و صلاحیت محاکم عسکری توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده نود و نهم:

محاکم در قضایای مورد رسیدگی خود احکام این قانون اساسی و قوانین دولت را تطبیق میکنند.

هرگاه برای قضیه از قضایای مورد رسیدگی در قانون اساسی و قوانین دولت حکمی موجود

نباشد محاکم به پیروی از اساسات کلی فقه حنفی شریعت اسلام در داخل حدود یکه این قانون اساسی وضع نموده در چنین احوال حکمی صادر میکنند که در نظرشان عدالت را به بهترین صورت ممکن تأمین نماید.

ماده صدم:

قضات به پیشنهاد قاضی القضاة و منظوری رئیس جمهور تعیین میگرددند.

ماده یکصد و یکم:

عزل قضات با اثر ارتکاب جرم به پیشنهاد ستره محکمه و منظوری رئیس جمهور صورت میگیرد. هرگاه قاضی به ارتکاب جرم متهم شود ستره محکمه مطابق به احکام قانون به حالت قاضی

رسیدگی نموده پس از استماع دفاع او در صورتیکه ستره محکمه اتهام را وارد بداند پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم و با منظوری آن از طرف رئیس جمهور قاضی از وظیفه عزل و مطابق به احکام قانون مجازات می شود.

ماده یکصد و سوم:

برای قضات معاش مناسب توسط قانون تعیین میگردد.

ماده یکصد و چهارم:
به استثنای حالاتیکه در ماده سی و ششم این قانون اساسی تصریح گردیده اعضای ستره محکمه وقاضی القضاة در مدت تصدی وظیفه هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام داده نمیتواند.

ماده یکصد و پنجم:
در محاکم افغانستان محاکمه بصورت علنی اجرا میشود و هرکس حق حضور را در آن مطابق به احکام قانون دارد.
فیصله های محاکم واجب التعمیل است، مگر در حالت حکم بمرگ شخص که تعمیل حکم محکمه نهایی مشروط به توشیح رئیس جمهور میباشد.
محکمه میتواند در حالت استثنائی که در قانون تصریح گردیده باشد جلسات سری دایر کند ولی اعلام حکم باید بهر حال علناً صورت بگیرد.
محاکم مکلف اند اسباب حکمی را که صادر میکنند در فیصله خود ذکر نمایند.

ماده یکصد و ششم:
کشف جرایم از طرف پولیس، تحقیق تعقیب و اقامه دعوی آن اطراف حارنوالی که جزء قوه اجرائیه هستند مطابق به احکام قانون صورت میگیرد.
کشف و تحقیق جرایم مربوط به قوای مسلح افغانستان توسط قانون خاص تنظیم میگردد.

ماده یکصد و هفتم:
ستره محکمه مرکب است از (۹) عضو که از طرف رئیس جمهور تعیین میشوند.
عضو ستره محکمه باید دارای اوصاف ذیل باشد:
۱ - سن سی و پنج سالگی را تکمیل نموده باشد.
۲ - اقل ده سال قبل از تاریخ تعیین تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد.
۳ - از طرف محکمه بحرمان از حقوق سیاسی محکوم نشده باشد.
۴ - از اهداف ملی، علم حقوق و نظام حقوقی افغانستان آگاهی کافی داشته باشد.
رئیس جمهور یک نفر از جمله اعضای ستره محکمه را که سن او از چهل سال کمتر نباشد به حیث قاضی القضاة تعیین مینماید.
رئیس جمهور میتواند بر تعیین اعضای ستره محکمه وقاضی القضاة بعد از مرور هر پنجسال از تاریخ تعیین شان بوظایف مذکور تجدید نظر نماید.
بارعایت این حکم اعضای ستره محکمه وقاضی القضاة به هیچ وسیله دیگر به استثنای حالت مندرج (۱۱۱) این قانون اساسی از وظایف شان برطرف نمی شوند.

ماده یکصد و هشتم:
اعضای ستره محکمه و قاضی القضاة قبل از اشغال و وظیفه حلف آتی را بحضور رئیس جمهور بجا می آورند:

" بنام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد میکنم که وظیفه قضا را با کمال امانت و شرافت اجرا نموده حق و عدالت را با رعایت اساسات دین مقدس اسلام وسایر احکام و ارزشهای قانون اساسی وقوانین دولت جمهوری افغانستان تأمین نمایم و در همه اجراء خود خداوند (ج) را حاضر دانسته حقوق مردم و وطن را به نفع عدالت حمایت نمایم".

ماده یکصد و نهم:
به استثنای حالت ماده (۱۱۱) این قانون اساسی اعضای ستره محکمه وقاضی القضاة بعد از ختم قانونی دوره خدمت برای بقیه مدت حیات از تمام امتیازات حالی دوره خدمت شان مستفید میشوند.

اعضای ستره محکمه و قاضی القضاات نمی توانند بعد از ختم دوره خدمت حکومت، عضو ملی جرگه و یا مامور دولت باشند.

ماده یکصد و دهم:

هر عضو ستره محکمه و قاضی القضاات میتوانند طبق احکام قانون استعفا بدهد. استعفای اعضای ستره محکمه و قاضی القضاات از تاریخ منظوری آن از طرف رئیس جمهور نافذ میگردد. قاضی القضاات و عضو مستعفی از امتیازات مالی مندرج ماده یکصد و نهم این قانون اساسی مستفید شده نمیتواند. قیود متذکره فقره اخیر ماده یکصد و نهم بالای عضو مستعفی و قاضی القضاات قابل تطبیق میباشد.

ماده یکصد و یازدهم:

هرگاه یک ثلث اعضای ملی جرگه محاکمه قاضی القضاات بایک یا چند عضو ستره محکمه را براساس اتهام جرم ناشی از اجرای وظیفه تقاضا نماید و ملی جرگه این تقاضا را به اکثریت دو ثلث اعضا تصویب کند، متهم از وظیفه سبکدوش میشود. ملی جرگه از بین اعضا یک نفر را جهت اقامه دعوا و هیئتی را مرکب از هشت نفر برای اجرای محاکمه تعیین میکند. این هیئت تحت ریاست رئیس ملی جرگه متهم را مطابق به طرز العمل محکمه جزائی محاکمه می نماید و در صورتیکه جرم متهم ثابت شود او را از وظیفه عزل و بجزا محکوم میسازد.

ماده یکصد و دوازدهم:

ستره محکمه تشکیلات و اجرات آتی محاکم و امور قضائی دولت را مطابق به احکام این قانون اساسی و دیگر قوانین تنظیم مینماید. جز در مواردیکه درین قانون اساسی تصریح گردیده صلاحیت های قضائی و اداری ستره محکمه توسط قانون تنظیم میشود. ستره محکمه تدابیر لازم را جهت تنظیم امور اداری محاکم اتخاذ میکند. بودجه قوه قضائیه از طرف قاضی القضاات بمشوره حکومت ترتیب گردیده به حیث یک جزء بودجه دولت توسط حکومت به ملی جرگه تقدیم مسشود. تطبیق بودجه قضا از صلاحیت ستره محکمه میباشد. ستره محکمه میتواند در ساحه تنظیم امور قضائی قوانین را تسوید و آنرا مطابق بحکم مندرج ماده شصت و دوم این قانون اساسی به ملی جرگه پیشنهاد نماید.

ماده یکصد و سیزدهم:

در مورد مامورین و سایر کارکنان اداری قوه قضائیه احکام قوانین مربوط بمامورین و سایر کارکنان اداری دولت نافذ میباشد ولی تعیین، ترفیع، قبول استعفاء و تقاعد شان توسط ستره محکمه بروفق قانون صورت میگیرد.

فصل دهم اضطرار

ماده یکصد و چهاردهم:

هر گاه حرب، خطر حرب، اغتشاش یا حلت مماثلیکه کشور را باخطر مواجه سازد حفظ استقلال و حیات ملی یا امنیت را برهم زند به نحویکه تامین آن از مجرائیکه در این قانون اساسی تعیین شده ناممکن گردد، حالت اضطرار از طرف رئیس جمهور اعلان میشود. هرگاه حالت اضطرار بیش از چهار ماه دوام نماید برای تمدید آن موافقت ملی جرگه شرط است.

ماده یکصد و پانزدهم:

در حالت اضطرار رئیس جمهور میتواند تمام یا بعضی از صلاحیت های ملی جرگه را به حکومت انتقال دهد.

ماده یکصد و شانزدهم:

در حالت اضطرار رئیس جمهور میتواند با رعایت حکم مندرج ماده نود و هشتم این قانون اساسی قسمتی از صلاحیت های قضا را به محاکم عسکری انتقال دهد.

ماده یکصد و هفدهم:

در حالت اضطرار حکومت میتواند باموافقه ستره محکمه احکام ذیل این قانون اساسی را توسط فرامین جمهوری معطل بسازد و یا بر آن قیودی وضع نماید.

- ۱ - حکم فقره پنجم ماده سی ام.
- ۲ - حکم فقره اول ماده سی و پنجم.
- ۳ - حکم فقرات سوم و چهارم ماده سی و ششم.
- ۴ - حکم فقره دوم ماده سی و هفتم.
- ۵ - حکم ماده سی و نهم.

ماده یکصد و هژدهم:

در حالت اضطرار رئیس جمهور میتواند مرکز افغانستان را بمحل دیگر یغیر از شهر کابل انتقال دهد.

ماده یکصد و نوزدهم:

هرگاه دوره وکالت اعضای ملی جرگه در اثنای حالت اضطرار ختم شود، رئیس جمهور میتواند اجرای انتخابات جدید را ملتوی بسازد و دوره وکالت اعضای ملی جرگه را تاختم حالت اضطرار تمدید نماید. بعد از ختم دوره اضطرار بلا فاصله انتخابات اجرا میگردد.

ماده یکصد و بیستم:

در حالت اضطرار قانون اساسی تعدیل نمیشود.

فصل یازدهم تعدیل

ماده یکصد و بیست و یکم:

اصل پیروی از اساسات اسلام و نظام جمهوری با احکام این قانون اساسی تعدیل نمیشود. تعدیل دیگر محتویات قانون اساسی نظر به تجارب و ایجابات عصر به پیشنهاد حکومت و یا شورای مرکزی حزب و یا یک ثلث اعضای ملی جرگه مطابق به احکام این فصل صورت میگیرد.

ماده یکصد و بیست و دوم:

پیشنهاد تعدیل را لویه جرگه غور نموده در صورتیکه اکثریت اعضای آن ضرورت تعدیل را تصویب کند هیئتی را از بین اعضاء جهت تهیه طرح تعدیل تعیین مینماید. این هیئت طرح تعدیل را به مشوره حکومت و ستره محکمه تهیه نموده به لویه جرگه تقدیم میکند.

هرگاه لویه جرگه به اکثریت اعضاء طرح تعدیل را تصویب کند بعد از توشیح و اعلام رئیس جمهور نافذ میگردد.

فصل دوازدهم احکام انتقالی

ماده یکصد و بیست و سوم:

با انفاذ این قانون اساسی رئیس جمهور فرمان انحلال حکومت را صادر میکند و حکومت جدید را طبق روحیه این قانون اساسی دولت جمهوری تشکیل مینماید.

ماده یکصد و بیست و چهارم:

رئیس جمهور مطابق به احکام این قانون اساسی ملی جرگه را بتاريخ اول قوس ۱۳۵۸ هجری شمسی دایر مینماید.

مدت بین انفاذ این قانون اساسی و افتتاح ملی جرگه دوره انتقال شمرده میشود. در دوره انتقال صلاحیتهای ملی جرگه به حکومت تعلق میگیرد.

ماده یکصد و بیست و پنجم:

هرگاه در دوره انتقال حالتی از حالات ظهور نماید که مطابق حکم ماده (۶۷) این قانون اساسی وجود لویه جرگه را ایجاب کند، رئیس جمهور اعلامیه مبنی بر دایر شدن لویه جرگه را صادر میکند. در چنین حالات تا زمان دایر شدن لویه جرگه رئیس جمهور تمام صلاحیتهای لویه جرگه را دارا میباشد.

رئیس جمهور بلا فاصله بعد از افتتاح لویه جرگه، اجرائی را که مطابق بحکم این ماده بعمل آورده به استحضار لویه جرگه میرساند و لویه جرگه در مورد آن تصمیم اتخاذ میکند. هرگاه در موقع ظهور یکی از حالات مذکور هنوز شورای مرکزی حزب و یا شوریه عالی قوای مسلح و یا ستره محکمه مطابق به احکام این قانون اساسی تشکیل نشده باشد، لویه جرگه بدون موجودیت آن بشکل عنعنوی دایر میگردد.

ماده یکصد و بیست و ششم:

رئیس جمهور مطابق بحکم مندرج ماده (۱۰۷) این قانون اساسی تشکیل ستره محکمه را بتاريخ اول سرطان ۱۳۵۷ هجری شمسی اعلام مینماید.

رئیس جمهور از تاریخ انفاذ این قانون اساسی الی زمان تشکیل ستره محکمه به منظور تأمین اجرای وظایف آن تدابیر لازم اتخاذ مینماید.

ماده یکصد و بیست و نهم:
در دوره انتقال حکومت تدابیر لازم را جهت هماهنگ ساختن اجرات تطبیق و عملی نمودن پروگرامهای دولت برطبق احکام این قانون اساسی اتخاذ می نماید.

ماده یکصد و سی و دو:
در دوره انتقال بحکم ماده چهل و یکم این قانون اساسی اساسنامه حزب انقلاب ملی بحیث اولین حزب که بانی و پیش آهنگ انقلاب ملی و مترقی ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ مردم افغانستان است از طرف رئیس جمهور نافذ و اعلام میگردد.

ماده یکصد و سی و یکم:
در دوره انتقال رئیس جمهور شورای عالی قوای مسلح را تاسیس و اعلام مینماید.

ماده یکصد و سی و دوم:
در دوره انتقال رئیس جمهور صلاحیت دارد تا بمنظور اجرای وظایف مقام ریاست جمهوری در حالت وفات وی، شورای موقت ریاست جمهوری را باسناد فرمانیکه صادر مینماید، پیشبینی کند. شورای موقت ریاست جمهوری مکلف است که در ظرف ده روز از تاریخ وفات، لویه جرگه را برای انتخاب رئیس جمهور جدید بشکل عنعنوی دایر نماید.

فصل سیزدهم احکام عمومی

ماده یکصد و سی و سوم:
نخستین لویه جرگه ایکه در نظام جمهوری بتاریخ دهم دلو ۱۳۵۵ هجری شمسی در کابل مرکز افغانستان دایر میشود، اولین رئیس جمهور دولت جمهوری افغانستان را به اکثریت دو ثلث آراء اعضاء برا مدت شش سال انتخاب مینماید.

ماده یکصد و سی و چهارم:
صاحت منصبان قوی مسلح؛ پولیس و مامورین وزارت امور خارجه باید خود و همسرشان از والدین افغان متولد باشند.

ماده یکصد و سی و پنجم:
مرجع با صلا حیت تفسیر این قانون اساسی ستره محکمه میباشد.

ماده یکصد و سی و ششم:
با نقاذ این قانون اساسی، قانون اساسی سابق و فامین جمهوری شماره اول، دوم و سوم مورخ چهارم اسد سال ۱۳۵۲ هجری شمسی ملغی شناخته میشود.
احکام قوانینیکه قبل از انفاذ این قانون اساسی صادر گردیده، بشرطی نافذ شمرده میشود که مناقض احکام و ارزشهای این قانون اساسی نباشد.

پایان